

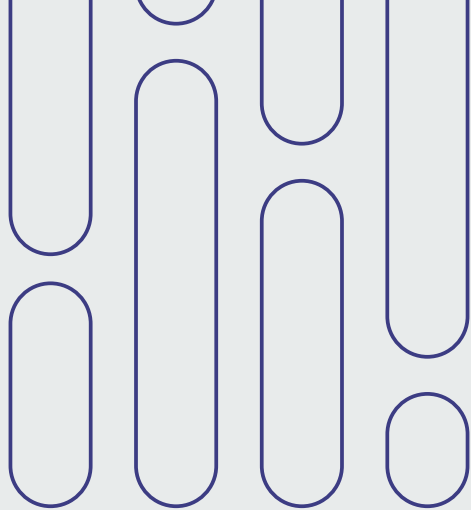
گزارش وضعیت

# ترور اسماعیل هنیه در تهران.. انگیزه ها، پیامها و پیامدها

4 اوت 2024



**RASANAHA**  
المعهد الدولي للدراسات الإيرانية  
International Institute for Iranian Studies



## فهرست مطالب

- 3 نخست: علل و انگیزه های ترور هنیه و فؤاد شکر.....
- دوم: نشانه ها و پیامهای اسرائیل از ترور  
هنیه در تهران.....5
- 7 سوم: پیامدهای ترور هنیه برای مقاومت .....
- چهارم: واکنشهای احتمالی در برابر ترور اسماعیل هنیه  
و فؤاد شکر.....9

اسرائیل با حملاتی دقیق رئیس دفتر سیاسی حماس را که برای شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان رئیس جمهور جدید ایران به تهران رفته بود، ترور کرد. و در لبنان نیز با یک حمله موشکی فؤاد شکر یکی از فرماندهان رده بالای نظامی حزب الله را هدف قرار داد. این جنگ افروزیهای همزمان، در شرایطی رخ می دهد که به خاطر عدم عقب نشینی طرفین از شروط و مواضع خود، تلاشها برای دستیابی به یک توافق که به جنگ میان حماس و اسرائیل پایان دهد، بی نتیجه مانده است. و با شدت گرفتن حملات حوثی ها علیه دریانوردی در دریای سرخ و همچنین حملات مستقیم به اسرائیل، نیروی هوایی اسرائیل حملات وسیعی را به بندر حدیده انجام داد. گزارش حاضر به علل، انگیزه ها و نشانه های ترور اسماعیل هنیه توسط اسرائیل می پردازد و پیامدهای این حادثه بر طرفهای گوناگون را مورد بررسی قرار می دهد و رویکردهای این جنگ را در صورت واکنش احتمالی از سوی محور ایران به بحث می گیرد.

## **نخست: علل و انگیزه های ترور هنیه و فؤاد شکر**

در یک تنش افزایشی که شاید خطرناکترین مورد، بعد از آغاز جنگ غزه باشد، منابع ایرانی اعلام کردند هنیه بعد از شرکت در مراسم تحلیف مسعود پزشکیان رئیس جمهور جدید ایران، در حمله اسرائیل به محل اقامتش در تهران ترور شد. ترور اسماعیل هنیه تنها چند ساعت بعد از آن صورت گرفت که اسرائیل توانست با یک حمله موشکی، فؤاد شکر بالاترین فرمانده نظامی و مسئول امور راهبردی حزب الله را در حومه جنوبی بیروت پایتخت لبنان ترور کند.

اسرائیل هنوز مسئولیت ترور اسماعیل هنیه را بر عهده نگرفته است و دفتر نتانیاها و نخست وزیر اسرائیل از وزیران اسرائیلی خواسته است از اظهار نظر در مورد این حادثه خودداری کنند. اما به محض اعلام خبر این حادثه، انگشتان اتهام به سوی تل آویو نشانه رفت؛ زیرا اسرائیل بارها بارها هنیه و دیگر رهبران حماس را به خاطر حمله توفان الاقصی در اکتبر گذشته که به کشته شدن صدها سرباز اسرائیلی و اسارت ۲۵۰ اسرائیلی انجامید، تهدید به قتل کرده بود.

اسماعیل هنیه از مهمترین رهبران جنبش حماس است که بیشترین تأثیر را در تصمیم‌گیری‌های آن دارد. او روابط بسیار محکمی با رهبران نظام ایران دارد. از این رو، اسرائیل با ترور او می‌خواهد رهبران تأثیرگذار حماس را از میان بردارد و با تضعیف این جنبش، آن را به پذیرش شروط اسرائیل در مورد دستیابی به توافق آتش بس وادار سازد.

محافل اسرائیلی دولت نتانیاها را متهم می‌کنند که علی‌رغم گذشت نه ماه از آغاز جنگ غزه، هنوز هم نتوانسته است به اهدافی که اعلام کرده بود از جمله نابودی رهبران حماس، دست یابد. لذا، دولت نتانیاها خواست با ترور هنیه یک دستاورد سیاسی داخلی برای خود رقم بزند و اندکی از فشارها بکاهد. و اعتبار ارتش اسرائیل را که بعد از عملیات توفان الاقصی بسیار آسیب دیده بود ترمیم کند.

ترور اسماعیل هنیه که تنها چند ساعت بعد از مراسم تحلیف رئیس‌جمهور ایران رخ داد، در واقع یک پیام هشدارآمیز به رئیس‌جمهور جدید ایران است که در یک تماس تلفنی به ایمانوئل مکرون همتای فرانسوی خود هشدار داده بود که هرگونه حمله احتمالی اسرائیل به لبنان می‌تواند عواقب وخیمی به دنبال داشته باشد. و در نامه‌ای به حسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان نسبت به تداوم حمایت‌های ایران از حزب الله و محور مقاومت اطمینان داده بود و خاطر نشان کرده بود که حمایت از مقاومت ریشه در سیاست‌های اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران دارد. واقعیت این است که حمایت ایران از آنچه به عنوان محور مقاومت یاد می‌شود، چالش بزرگی برای اسرائیل به حساب می‌آید و اسرائیل این محور را خطری برای آینده خود و ثبات منطقه‌ای و همچنین مانعی بر سر راه گشایش با کشورهای منطقه می‌داند. همچنین اسرائیل با ترور هنیه پیامی به رهبران ایران ارسال کرد مبنی بر اینکه اگر ایران از کمک به محور مقاومت دست برندارد، تل‌آویو با توانمندی نظامی پیشرفته‌ای که دارد می‌تواند هر یک از مقامات ایرانی در آینده هدف قرار دهد.

اما در مورد فواد شکر، باید گفت که او مشاور حسن نصرالله در برنامه ریزی و هدایت عملیات جنگی بود. به گفته اسرائیل، او بعد از عملیات توفان الاقصی که توسط حماس علیه شهرک نشینان اسرائیلی در غلاف

غزه و در اکتبر گذشته انجام شد، هدایت عملیات حزب الله علیه اسرائیل را بر عهده داشت. همچنین اسرائیل وی را به دست داشتن در حادثه ای که در ۲۶ جولای ۲۰۲۴ در مجدل شمس در جولان اشغالی رخ داد، متهم می کند. از این رو، تأیید خبر ترور او از سوی حزب الله دستاورد بزرگی برای اسرائیل محسوب می شود؛ زیرا اسرائیل بیم آن داشت که او همچنان زنده باشد و در صورت تبدیل شدن تنش کنونی به جنگی گسترده در آینده، او مدیریت جنگ علیه اسرائیل را بر عهده گیرد.

## **دوم: نشانه ها و پیامهای اسرائیل از ترور هنیه در تهران**

ترور اسماعیل هنیه در تهران پایتخت ایران و هدف قرار دادن فؤاد شکر در حومه جنوبی بیروت از لحاظ جایگاه بالای این دو شخصیت، زمان عملیات، کشوری که در آن عملیات صورت گرفت و روش حمله نشانه های بسیار مهمی در بر دارد. هنیه رهبر درجه یک حماس به شمار می رود. اما شکر، یک فرمانده نظامی بسیار مهم حزب الله است که احتمالاً اسرائیل ترور او را یک پیروزی برای خود می داند.

اما از لحاظ زمانی، این دو عملیات در زمانی صورت گرفت که اوضاع در خاورمیانه به خاطر جنگ ویرانگر اسرائیل در غزه، تشدید تنشها میان اسرائیل و حزب الله در پی حادثه مجدل شمس در جولان اشغالی، همچنین تشدید تنشها میان اسرائیل و حوثی ها در پی حمله موشکی به اسرائیل و ادعای تل آویو مبنی بر استفاده از موشکهای ایرانی در این حمله، و حمله اسرائیل به بندر حدیده بسیار پر تنش است. همچنین ترور این دو مقام رده بالا، بعد از سفر نتانیاهو به واشنگتن و تنها چند ساعت بعد از دیدار هنیه با علی خامنه ای و پزشکيان رئیس جمهور جدید ایران صورت گرفت. این حادثه با فراهم ساختن زمینه گسترش دامنه جنگ، فرصتهای صلح را به خطر می اندازد.

کشوری که هنیه در آنجا ترور شد یعنی ایران حامی اصلی به اصطلاح محور مقاومت است و به ادعای اسرائیل، حملات موشکی و پهپادی حوثی ها و حزب الله به اسرائیل که به بهانه توقف جنگ غزه صورت می گیرد، از ایران تأمین می شود. هنیه که برای شرکت در مراسم تحلیف رئیس

جمهور جدید ایران به تهران رفته بود، آخرین بار در ۳۰ جولای ۲۰۲۴ و بعد از ملاقات با رئیس جمهور جدید ایران در رسانه ها ظاهر شد. در نتیجه، می توان گفت که این ترور تنها یک حمله به هنیه نبود بلکه حمله به پایتخت ایران و حمله به سپاه پاسداران نیز بود؛ زیرا هنیه در اقامتگاهی متعلق به سپاه در ولنجک در شمال تهران، هدف حمله قرار گرفت که فاصله چندانی با نهادهای مهم و حساس ایران ندارد. در این عملیات، یک موشک هدایت شونده هوا به زمین، مستقیماً به بدن او شلیک شد که این شکست امنیتی بزرگ ایران را شوکه کرد. و برای چندین ساعت منابع رسمی ایران در قبال این حادثه سکوت کردند و سپس اعلام کردند که این حمله از خارج صورت گرفته است تا بر شکست نهادهای امنیتی داخل سرپوش گذارند. ترور اسماعیل هنیه مهمترین حادثه در روند جنگ افروزی های اسرائیل است؛ زیرا این جنگ افروزی تنها علیه حماس و حزب الله لبنان صورت نمی گیرد بلکه با توجه به اینکه عملیات ترور در خاک ایران صورت گرفته است، این جنگ افروزی علیه ایران نیز هست. این حادثه که از ضعف نهادهای امنیتی داخلی و نفوذ گسترده و پیاپی اطلاعاتی در نهادهای امنیتی ایران و سپاه پاسداران حکایت دارد، ایران در مخصمه بزرگی قرار داده است. هرچند ممکن است ایران به پاسخ از طریق تشدید حملات جبهه مقاومت اکتفا کند، اما سؤال اینجاست که آیا حملات شبه نظامیان مورد حمایت ایران می تواند در مقابل آنچه به باور ناظران، تحقیر ایران توسط اسرائیل است، پاسخی درخور باشد؟

این ترور علاوه بر اینکه می تواند فرصتهای گفتگو برای آتش بس در غزه را از بین ببرد، تمایل رئیس جمهور جدید ایران در گشایش با غرب را نیز با مشکل روبرو می سازد. اما با توجه به تجارب گذشته ایران، احتمالاً این حادثه در تصمیم ایران برای از سرگیری گفتگوهای برجامی را تغییری ایجاد نمی کند. زیرا علی رغم ترور دانشمندان بزرگ هسته ای و فرماندهان رده بالای نظامی مانند قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس اما ایران از جستجوی فرصتی برای گفتگوها و رفع تحریمها باز نایستاده است. علاوه بر همه اینها، رئیس جمهور جدید ایران برای حل بحرانهای داخلی به گفتگوهای هسته ای و رفع تحریمها چشم دوخته است.

اقدام اسرائیل به این نوع عملیات در داخل ایران حکایت از این واقعیت دارد که با توجه به پاسخهای محدود ایران به عملیات مشابه در گذشته، اسرائیل به این باور رسیده است که این بار نیز ایران پا را از پاسخ محدود فراتر نخواهد گذاشت. اسرائیل با این ترور، پیامهایی را به ایران و محور مقاومت مخابره کرد مبنی بر اینکه اسرائیل خوب می داند که طرف اصلی جنگ، ایران است. و حملات سریالی حزب الله و حوثی ها با چراغ سبز ایران صورت می گیرد. اسرائیل خواست با این ترور، این پیام را ارسال کند که برای گسترش دامنه جنگ آمادگی کامل دارد و این توانایی را دارد که به عملیات بسیار پیچیده و دقیقی در قلب پایتخت ایران دست بزند. دولت اسرائیل با ترور بزرگترین فرد از رهبران حماس در صدد آن است تا با بهره برداری تبلیغاتی و سیاسی از این دستاورد، اعتبار خود را در داخل اسرائیل ترمیم کند. و این پیام را به تمامی طرفهای خارجی و طرفهای میانجی در مذاکرات برساند که باید حماس را برای پذیرش شروط اسرائیل تحت فشار قرار دهند تا حماس آزادی گروگانها را به خروج اسرائیل از جنوب نوار غزه و توقف کامل و دائم جنگ مشروط نسازد.

## سوم: پیامدهای ترور هنیه برای مقاومت

سؤال مهمی که در اینجا مطرح است، این است که ترور هنیه و شکر تا چه اندازه می تواند «محور مقاومت» و مخصوصا حماس و حزب الله را تحت تأثیر قرار دهد؟ واقعیت این است که حماس و حزب الله از گروههای ایدئولوژی محور هستند. و عنصر عقیده در جذب افراد به این گروهها و نبرد جنگجویان آنها مهمترین عامل به شمار می رود. از این رو، در هرگونه سخن از تأثیر بر این گروهها باید جنبه اعتقادی و فکری این گروهها را نیز لحاظ کرد. لذا، می توان این عملیات را از دو جنبه مورد بررسی قرار داد:

**اول:** در مورد اسماعیل هنیه باید گفت که ترور او تأثیری بر شاخه نظامی جنبش حماس ندارد؛ زیرا هرچند که او از تدابیر امنیتی و نظامی داخل نوار غزه چندان دور نبود اما او به عنوان رئیس دفتر سیاسی در خارج از غزه، بخش سیاسی و دیپلماتیک جنبش حماس را مدیریت و امور لجستیک حماس را تسهیل می کرد؛ در صورتیکه اکثر فرماندهان رده بالای عملیاتی

و نظامی گردانهای قسام در داخل نوار غزه هستند. همچنین، احتمالاً ترور هنیه روحیه خونخواهی را در میان جنگجویان حماس زنده کند و رهبران حماس با استفاده از ادبیات جهادی گروههای عقیده محور، از حادثه ترور هنیه برای ترویج و تبلیغ حقانیت خود و تداوم "راه جهاد" بهره برداری کند. همچنین، احتمالاً ترور هنیه محبوبیت حماس به عنوان جنبش مقاومت در میان مردم غزه و کرانه باختری را افزایش می دهد. و بر روایت دوگانه «سنگرها در مقابل هتلها» که بعد از عملیات توفان الاقصی برای اتهام رهبران حماس به کار می رفت، خط بطلان خواهد کشید.

اما در عین حال، ترور هنیه می تواند تا حدی تحرکات سیاسی و دیپلماتیک حماس را تحت تأثیر قرار دهد؛ به ویژه اینکه صالح العاروری معاون رئیس دفتر سیاسی حماس نیز در ژانویه گذشته در بیروت ترور شد. لذا، این امر می تواند با محدود کردن و یا توقف رفت و آمدهای رهبران شاخه سیاسی حماس در انجام مأموریتهای روتین آنها تأثیر گذارد. و آنان ناگزیر علاوه بر اینکه مخفیانه رفت و آمد می کنند، حتی الامکان از حضور در مراسم رسمی پرهیز می کنند. و شاید هم بتوان عدم صعود شخصیت های کاریزماتیک، مردمی و لایق به عنوان رهبران جایگزین را مهمترین تأثیر این ترور، دانست. زیرا تصمیم اسرائیل بعد از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ میلادی مبنی بر از میان برداشتن رهبران حماس، مانع از این امر می شود. علاوه بر آن، این رهبران، از زمان خروج اسرائیل از غزه در سال ۲۰۰۵ میلادی هیچ تغییری نکرده اند؛ زیرا فضای کلی و منظومه فعالیت های این جنبش، اجازه رشد و صعود منظم نیروهای جوان را نمی دهد. البته ترور هنیه یک تأثیری بر تمام «جنبشهای مقاومت» از جمله شبه نظامیان مسلح در عراق و سوریه نیز دارد. اسرائیل با ترور هنیه این پیام را مخابره کرد که رهبران این جنبشها چنانچه منافع اسرائیل را هدف قرار دهند، به سرنوشت هنیه دچار خواهند شد. اما در مورد اندیشه و عقیده حماس باید گفت که هنیه نظریه پرداز این جنبش نبود. در نتیجه، غیاب او نمی تواند تأثیر چندانی بر سطح فکری این جنبش داشته باشد. اما وجود هنیه در دوحه این امکان را فراهم می ساخت که با میانجی قطر، گفتگوهای دیپلماتیک میان حماس در یک سو، و اسرائیل و آمریکا در دیگر سو، جریان داشته باشد. اما با ترور



هنیه، احتمالاً رهبران کنونی حماس با گفتگوها مخالفت کنند. از این رو، ترور هنیه می تواند بر روند گفتگوها برای پایان جنگ غزه، تأثیرگذار باشد. اما در مورد ترور فؤاد شکر، فرمانده حزب الله باید گفت که هرچند در این مورد اظهارات ضد و نقیضی بیان شده است اما بر اساس بیانیه حزب الله او در هنگام حمله داخل آن ساختمان حضور داشت. ترور شکر به عنوان یکی از فرماندهان مهم نظامی حزب الله می تواند بر شاخه نظامی حزب الله تأثیر بگذارد. اما با توجه به ترور فرماندهان سابق نظامی حزب الله توسط اسرائیل، می توان گفت که حزب الله از این مشکل نیز گذر خواهد کرد و از حادثه ترور فؤاد شکر برای تقویت وحدت و تداوم پایداری نیروها به عنوان «حزب خداوند» و «سربازان الهی» استفاده خواهد کرد. همچنین ممکن است حزب الله از این حادثه برای ترمیم اعتبار خود در داخل لبنان و عبور از بحرانهای داخلی با رقبای سیاسی خود نیز استفاده کند.

## چهارم: واکنشهای احتمالی در برابر ترور اسماعیل هنیه و فؤاد شکر

با ترور اسماعیل هنیه و فؤاد شکر، جنگ کنونی در منطقه وارد مرحله تازه ای از روند جنگ افروزی می شود که احتمالات زیادی از جمله بدل شدن به یک جنگ منطقه ای نیز می رود و واکنش ایران، حماس، حزب الله و همچنین حوثی ها و شبه نظامیان شیعی در عراق می تواند جنگ کنونی را به یک جنگ تمام عیار منطقه ای سوق دهد.

از آنجا که عملیات ترور، در داخل خاک ایران و مشخصاً در پایتخت ایران رخ داده است، قبل از دیگر طرفها، ایران حق پاسخ را برای خود محفوظ می داند. ایران نیاز دارد پاسخی بدهد که اعتبار از دست رفته اش را بازگرداند. اما سؤال اینجاست که این پاسخ، با پاسخ قبلی چه تفاوتی می تواند داشته باشد. در صورتی که ایران مستقیماً به اسرائیل حمله کند، این امر می تواند به یک جنگ منطقه ای منجر شود. از این رو، این احتمال بعید به نظر می رسد؛ زیرا تصمیم ساز ایرانی نسبت به هزینه ها و پیامدهای جنگ کاملاً آگاه است؛ مخصوصاً که مقامات آمریکا نیز تأکید کرده اند که در صورت وقوع هرگونه حمله ای به اسرائیل، ایالات متحده از اسرائیل

دفاع خواهد کرد. از این رو، احتمالاً ایران شبه نظامیان مورد حمایت خود را به تشدید حملات علیه اهداف اسرائیلی و آمریکایی تشویق کند و از این طریق ضرب شصت سپاه را به اسرائیل و آمریکا نشان دهد. اما اگر به وعده ای که رهبر در مورد انتقام خون هنیه داده است جامه عمل پوشانده شود، در این صورت منطقه به یک جنگ تمام عیار منطقه ای بسیار نزدیک است.

البته اگر حزب الله در واکنش به ترور فؤاد شکر پا را از قواعد درگیری فراتر بگذارد نیز ممکن است شعله جنگ منطقه ای را شعله ور سازد. و این احتمال نیز وجود دارد که ایران به حزب الله در مورد بالا بردن سطح تنشها چراغ سبز نشان دهد تا به طور غیر مستقیم اعتبار ایران نیز ترمیم شود؛ بدون اینکه پیامدهای مستقیمی برای ایران به دنبال داشته باشد. اما با توجه به فشارهای داخلی و همچنین با توجه به تجربه های قبلی حزب الله در مورد ترور فرماندهان و همچنین تجربه جنگ ۲۰۰۶، احتمالاً حزب الله به یک پاسخ حساب شده ای که قواعد درگیری را نیز رعایت کند، اکتفا کند تا مبادا اسرائیل را به یک جنگ تمام عیار علیه خود سوق دهد. اما اگر ایران مستقیماً به این ترور پاسخ دهد، به احتمال زیاد حزب الله نیز در سطحی بالاتر از قواعد معمول درگیری وارد نبرد می شود.

علی رغم اینکه رئیس دفتر سیاسی حماس ترور شده است اما در این میان، احتمالاً واکنش حماس نسبت به واکنش سایر طرفها از تأثیرگذاری کمتری برخوردار خواهد بود؛ زیرا حماس از چندین ماه بدینسو نبرد با اسرائیل کار هر روزه حماس است. از این رو، گزینه های بسیار محدودی پیش رو دارد که می تواند به صورت حملات موشکی دقیق و یا تحرک هسته های آن در کرانه غربی نمود یابد. اما حوثی ها، از چند هفته پیش به خاطر حملات هوایی اسرائیل به بندر حدیده در حالت جنگی به سر می برند. و احتمالاً همزمان با پاسخ احتمالی ایران به اسرائیل، حوثی ها نیز دست به حملاتی هماهنگ بزنند. اما شبه نظامیان عراق تنها طرفی هستند که ممکن است علیه ایالات متحده دست به جنگ افروزی بزنند. گفتنی است بعد از کشته شدن سه سرباز آمریکایی در اواخر ماه ژانویه گذشته در اردن، این شبه نظامیان تنش با آمریکا را کاهش داده بودند. و شاید هم حملات

موشکی آمریکا علیه مواضع حشد شعبی در شمال استان بابل همزمان با ترور اسماعیل هنیه، یک حمله پیش دستانه و بازدارنده بوده است تا شبه نظامیان عراقی را از ورود به جنگی گسترده در کنار ایران، حزب الله و حماس بازدارد. اما اگر تهران دستور آتش افروزی بدهد، این اقدامات پیش دستانه آمریکا نمی تواند مانع حمله گروههای عراقی علیه اهداف آمریکایی و اسرائیلی شود.

در پایان، ذکر این نکته نیز لازم است که احتمالاً نخست وزیر اسرائیل با این ترورهای پیچیده و دقیق در صدد دستیابی به یک تفاهم است و این ترورها را نیز دستاورد و موفقیت جنگی خود معرفی می کند. و این احتمال نیز وجود دارد که این ترورهای دقیق، در مقابل ایران و نیروهای محور مقاومت بازدارندگی ایجاد کند و آنها را از هرگونه پاسخ بازدارد.

